**بررسی تحولات اشتغال زنان در روستای جاغرق (چالش‌ها و چشم اندازها)**

**علی اکبر مجدی: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد[[1]](#footnote-1)**

**مژگان جعفرپورجاغرق: دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**

**چکیده**

در این تحقیق درصدد بررسی تحولات اشتغال زنان و چالش‌ها و چشم اندازهایی که در روستای جاغرق وجود دارد، هستیم و از روش نظریه زمینه‌ای استفاده کردیم. تكنيک جمع آوري داده‌ها، مصاحبه رواييو نیمه‌ساختار یافته است.در این راستا 12 مصاحبه عمیق انجام شد و داده‌ها در سه مرحله، کدگذاری باز، محوری وگزینشی تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد، در گذشته زنان به کار دامداری، قالیبافی و باغداری مشغول بودند اما با گذشت زمان قالیبافی در این روستا از رونق افتاد و زنان در کنار کار باغداری به سایر کارهای هنری رو آورند. امروزه نیز باغداری و مشاغل مربوط به حوزه گردشگری در جاغرق رونق زیادی دارد. محصول دارای اهمیت به لحاظ درآمدی توت خشک است وشرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر برای جمع آوری توت خشک وجود دارد. زنان سالانه درآمد زیادی از این طریق کسب می‌کنند که می‌توانند این درآمد را صرف توسعه روستا کنند اما هنوز چالش‌هایی برای فرآیند توسعه در این روستا وجود دارد.

کلیدواژه ها: اشتغال زنان، کسب درآمد، انباشت سرمایه

**1-بیان مسئله**

 زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند و اشتغال زنان از شاخص‌های توسعه اجتماعی به شمار می‌رود (آخرتی،آهنگران،1397: 106). زنان روستایی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث تولید و معیشت دارند زیرا تولید در روستاها براساس سازمان خانوادگی استوار است و زنان وظایف آشکار و پنهان بی‌شماری را دارا می‌باشند و نقش اقتصادی زنان در روستا کاملا ملموس و عینی است. زنان روستایی رکنی از واحدهای تولیدی و ساختار اقتصادی جوامع هستند و به عنوان نیروی کار، تقریبا در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. مهم‌ترین فعالیت‌های زنان عبارت است از نقش همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، فعالیت‌هاي دامداري، همچنین نقش آنان در ایران در فعالیت هاي اقتصادي به ویژه کشاورزي و صنایع دستی انکارناپذیر است(سواری،شریف‌زاده،1396 :18). با توسعه گردشگری در برخی روستا مشاغل جدیدی برای زن‌ها ایجاد می‌شود واین فعالیت‌ها همواره در ایجاد و یا بهبود درآمد خانوار موثر بوده است. درواقع زنان در گسترة جهاني نقش عمده‌ای در فعاليت‌هاي اقتصادي دارند، اما فعاليت اقتصادي آن‌ها در كشورهاي در حال توسعه و از همه مهمتر در نواحي روستايي که شكل سنّتي دارند اغلب در داخل خانه انجام مي‌شود و جنبة توليدي دارد و در افزايش درآمد خانوار تأثير بسزايي دارد. با اين حال، زنان روستايي نامرئی‌ترین مشاركت كنندگان در فرآيند اقتصادي جامعه و خانواده هستند(سلمانی،1396: 74). به طور کلی زنان فعالیت‌هاي مختلفی را نیز انجام می دهند اما منجر به درآمدهاي ملموسی براي آنان نمی شود؛ همین امر باعث شده تا زنان روستایی بر انتخاب‌های زندگی کنترل کمتري داشته باشند، ولی با توجه به تغییرات اجتماعی گوناگون، فعالیت‌های زنان نیز از جنبه‌های گوناگون به سرعت در حال دگرگونی است و در بعضی از موارد منجر به کسب درآمد مستقل برای زنان روستایی می‌گردد که می‌توان به عنوان مشارکت زنان روستایی در بازار کار آن را مورد بررسی قرار داد. لذا از آنجا که رونق اشتغال،کسب درآمد و انباشت سرمایه نقش مهمی در توسعه خود روستا دارد و اشتغال زنان زمینه‌ای برای توسعه روستایی است و روستاها نیز نقش مهمی در توسعه کشور دارند؛ در این تحقیق درصدد بررسی تحولات اشتغال زنان و چالش‌ها و چشم اندازهایی که در روستای جاغرق وجود دارد، هستیم. در این راستا سوالات تحقیق بدین صورت است:1-زنان روستای جاغرق در گذشته و در حال حاضر به چه کارهایی مشغول‌اند؟ 2-زنان روستای جاغرق از طریق چه مشاغلی کسب درآمد می‌کنند؟ 3-اشتغال زنان چه چشم اندازی برای روستای جاغرق فراهم می‌آورد؟

**2-پیشینه تجربی**

 آخرتی وهمکاران(1397)تحقیقی با عنوان مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی انجام دادند.جامعه آماری کلیه زنان روستایی شهرستان زیرکوه در سال 1396 بود که تعداد 358 نفر انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین زنان شاغل و خانه‌دار در موانع فرهنگی و اجتماعی،تفاوت معنی‌دار وجود دارد.ولی در موانع اقتصادی، موانع روانشناختی و موانع سیاستگذاری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

 جمشیدی(1396)مطالعه‌اي کيفي، با هدف واکاوي چالش‌هاي اشتغال و درآمدزايي زنان منطقه عشاير زردلان از استان ايلام، انجام داد.جامعه آماري کليه زنان عشاير منطقه مورد مطالعه بودند که در زمينه توليد محصولات لبني و صنايع دستي فعاليت داشتند.نتايج نشان داد که مشکلات توليدي و کاهش سطح توليدات زنان عشاير تعاملي است در مقابل شرايط حاکم بر مناطق عشايري و پيامد منفي تنزل جايگاه اقتصادي زنان عشاير را به دنبال دارد. همچنين، توليدات اين زنان در کل شامل 85 درصد محصولات لبني و 15 درصد صنايع دستي بود.

 علوی زاده و شمس الدینی و حسینی(1395) به بررسي و تحليل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستايي در شهرستان کاشمر پرداختند. براساس نتايج تحليل عاملي، 8 عامل نهايي تبيين شدند، که در مجموع توانسته‌اند 60.314 درصد از واريانس تمامي متغيرهاي پژوهش را تبيين کنند.عامل سياستگذاري بيشترين واريانس و عامل روانشناختي کمترين واريانس را دارا مي باشند. از بين موانع موثر بر اشتغال زنان روستايي بعد فرهنگي بيشترين تاثيرگذاري را داشته و شاخص‌هاي «نداشتن پشتوانه مالي و پس انداز کافي»، «پايين بودن سطح سواد زنان روستايي» و «وظايف زياد زنان در خانه» به عنوان اثرگذارترين موانع اشتغال زنان در اين دهستان شناخته شده‌اند.

 شریفی و همکاران(1394)پژوهشی با هدف تحليل عوامل پيشبرنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستايي شهرستان نجف آباد پرداختند نتايج حاصل از تحليل عاملي مربوط به عوامل بازدارنده نشان داد که متغيرها در هفت عامل زيرساختي- حمايتي، فرهنگي- روانشناختي، مهارتي، اعتماد اجتماعي، ساختاري، انگيزشي-شناختي و تسهيلات بانکي قرار گرفتند که اين هفت عامل 66.50 درصد کل واريانس را تبيين مي‌کند.درتحليل عاملي عوامل پيشبرنده 5 عامل آموزشي- حمايتي، فرهنگي- زيرساختي، خانوادگي، مشارکت اقتصادي و نهادي شناسايي شد که اين پنج عامل 60.68 درصد کل واريانس را تبيين مي کند.

 لوو و همکاران (2018)در رابطه با تخصص در توسعه روستایی به یک تحلیل مفهومی و تجربی رسیدند. نتایج آنها بدین صورت است که تجربه و تخصص به عنوان کلید زندگی،به طور فزاینده‌ای در روایت‌های توسعه باید استفاده شود.درتجزیه و تحلیل مدل‌های توسعه روستایی و تولید دانش در دهه‌های گذشته معرفی مفهوم تخصص بومی،تخصصي که مردم دارند و مبتني بر مکان است،دارای اهمیت است و متخصصین مشاوره روستایی باید از تصمیم کشاورزان حمایت کنند و ترکیب تخصص بومی را به عنوان یک همپوشانی استفاده کنند.بنابراین زمینه،مکان تولید شده و دانش میدان،مکان متمرکز و در نظر گرفتن چگونگی بهتر شناخته شدن در فرایندهای توسعه و برنامه های سیاستی باید افزایش یابد.

 در یک جمع بندی کلی می‌توان پیشینه‌های داخلی در کارهای مورد بررسی قرار گرفته سال 1390 تا 1397 نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در توسعه اشتغال زنان مهم و ضروری تلقی شده است.انتقاد وارده بر کار دیگران این است که جامعه آماری آنها چندین روستا است و به طور کامل بر یک روستا تمرکز نشده است.درحالی که هر روستایی دارای زمینه‌ی خاصی است که باید نسخه توسعه بر اساس آن زمینه و محیط طراحی شود. با توجه به این اشکال ما در تحقیق خود درصدد این هستیم که تنها بر روستای جاغرق تمرکز کنیم و زمینه و پیشینه اشتغال زنان روستای جاغرق را مدنظر قرار دهیم.

**3-پیشینه نظری**

همه انسان‌ها به نظام تولید وابسته هستند.در همه جوامع بخش عمده زندگی اکثر مردم را فعالیت تولیدی و کار اشغال می‌کند، از نظر جامعه شناسان تقسیم کار و تنوع مشاغل وجه تمایز جوامع امروزی از جوامع سنتی است، تقسیم کار سنتی برپایه تقسیم بندی جنسیتی بوده است(گیدنز 1386: 528). در جوامع روستایی برای زنان و مردان نقش های متفاوتی در خانواده و جامعه تعریف شده است. با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نقش های زنان و مردان نیز تغییراتی به وجود آمده است و در جوامع روستایی نیز این تغییر و تحولات ملموس است و هویت سنتی آنان نیز دچار دگرگونی شده است. از بعد از دهه 70 میلادی متون و آثاری از جنسیت و زنان به وجود آمد و موازی با این نظریه پردازان توسعه اهمیت نظام‌های زراعی را مورد توجه قرار دادند و به تدریج به بحث‌های توسعه و اشتغال زنان در روستاها توجه شد (شریفی، 1394: 2).

در نظریۀ ستیز، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان، منشأ کلی نابرابری جنسیتی است و از آنجا که مردان، دسترسی بیشتری به منابع قدرت دارند از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشربندی مبتنی بر جنسیت استفاده کرده‌اند. رندال کالینز، خانواده را عرصه کشمکش جنسی می‌داند که در آن زنان همیشه تحت تسلط مردان بوده‌اند(ریتزر،1394: 175). او نابرابری موجود در خانواده را به عنوان تابعی از سرمایه های فرهنگی در نظر می گیرد و تداوم این نابرابری را وابسته به گفتگوهایی می‌داند که فعالیت جنسیتی هر کدام از زوجین را مشخص می‌کند؛ فعالیت‌هایی که خود تابعی از سرکوب و ثروت مادی در اختیار است (ترنر،1393: 301). باد و ولف معتقدند که تعادل و توازن در تصمیم گیری ها به نفع کسی است که منابع و امکانات بیشتری را به خانه می آورد و هر چه منابعی که فرد در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. افزایش سطح تحصیلات، پایگاه شغلی، درآمد و دارایی مرد، منابعی هستند که او می‌تواند از آن ها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده نماید(بلاد ولف 1996به نقل از عسکری و همکاران 1391: 196). نظریه بلومبرگ بیان می کند که قشربندی جنسیتی وابسته به میزان کنترل وسایل تولید و تخصیص مازاد تولید به زنان دارد.چنین کنترلی توسط زنان به آن ها قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و نهایتا وجهه اجتماعی می دهد. کنترل مردان در سطوح مختلف باعث کاهش قدرت زنان در جوامع شده است. در این رابطه او این قضیه را که هر چه زنان قدرت اقتصادی بیشتری داشته باشند، بیشتر قادر خواهند بود بر شکل‌های دیگر قدرت - سیاسی، ایدئولوژیکی و غیره دسترسی پیدا کنند بیان کرد (ترنر ۱۹۹۸: ۲۳۳ به نقل از لهسائی زاده ۱۳۸۷: 24و25). بلومبرگ تاکید می کند که در دوران انتقال قدرت اقتصادی از مردان به زنان، مردان احساس خطر می کنند و در نتیجه تلاش‌های زنان را سرکوب می کنند تا زنان قدرت برابر به دست نیاورند. اگر در این مرحله زنان مقاومت کنند و دوران انتقال را پشت سر بگذارند، خط مشی‌های سیاسی علیه زنان کنار گذارده می شود و خشونت علیه زنان با تنبیه روبه رو می شود. بنابراین به دست آوردن کنترل اقتصادی شرط لازم برای موقعیت برابر زنان در قشربندی اجتماعی است و ربط مستقیمی با تقاضا برای کار زنان، از سوی دیگر،کار مولد زنان بستگی به بازتولید آن ها دارد و مردان از وجود کار بازتولیدی زنان به عنوان مانعی برسر راه کار مولد زنان استفاده می‌کنند.در جوامعی که کار زنان اهمیت پیدا می کند، زنان می توانند قدرت بیشتری به دست آورند. (بلومبرگ ،1984 به نقل از همان).

**4-روش تحقیق**

با توجه به اینکه به دنبال کشف تحولات اشتغال تنها در یک روستا بودیم و نیاز به عمق بیشتری از انواع مشاغل زنان از گذشته تا کنون داشته‌ایم، از مطالعه‌ای اکتشافی استقرایی(نظریه زمینه ای[[2]](#footnote-2))که یک سنت کیفی است، استفاده کردیم.تكنيک جمع‌آوري داده‌ها مصاحبه‌روايینیمه‌ساختار یافته است و مصاحبه‌نامه‌ای به صورت سوالات باز طراحی شد. شیوة نمونه‌گیری هدفمند بوده و همچنین از نمونه‌گیری گلوله برفی[[3]](#footnote-3) نیز استفاده شده است که در این نوع نمونه‌گیری نخست چند نفر را که دارای مشخصات مورد نظر هستند پیدا کرده و بعد از مصاحبه از آن ها تقاضا کردیم اگر افرادی که دارای همان مشخصات هستند به ما معرفی کنند(بیکر،1392: 191) منطق حاکم در انتخاب حجم نمونه،اشباع نظری بود؛ اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که در خلال مصاحبه یا مشاهده هیچ اطلاع جدیدی ظهور نکند و طبقه بندی و دسته بندی از جهت کیفیت و تنوع به خوبی توسعه یافته باشد و روابط میان دسته‌ها به خوبی تثبیت و اعتبار یافته باشد(اشتراس و کوربین،2008: 212). ما نیز در خلال مصاحبه‌ها شروع به انجام مرحله تحلیل داده‌ها کردیم و از طریق فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای داده های ما تحلیل شدند.این سه مرحله عبارتنداز:مرحله کدگذاری باز،محوری و گزینشی.در مرحله کدگذاری گزینشی،مقوله‌های عمده در قالب یک مدل پارادایمی حول مقوله هسته به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند (فلیک،1391 : 337 )و در واقع،مقوله هسته‌ای را در قالب مدل ترسیم کردیم و به توصیف صوری مقوله وتحلیل آن پرداختیم.

**5-تحلیل یافته‌ها**

افراد مورد مصاحبه زنان ساکن در روستای جاغرق می‌باشند. برای حفظ ناشناس ماندن مصاحبه شوندگان به هر یک از آن‌ها یک شماره ردیف و نام مستعار داده شده، هر یک از مصاحبه‌ها 15 الی 45 دقیقه به طول انجامید. که مشخصات تفصیلی آن در قالب جدول زیر آمده است:

جدول شماره ی1: توصیف ویژگی‌های پاسخگویان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | نام | سن | نوع شغل |
| 1 | عفت | 42 سال | خیاطی، باغداری، درست کردن لواشک |
| 2 | فاطمه | 67سال | باغداری، دامداری، قالی بافی |
| 3 | بهار | 16 سال | کار در رستوران سنتی |
| 4 | اعظم | 45 سال | بافتنی،خیاطی |
| 5 | زهرا | 22 سال | بافتنی، باغداری |
| 6 | مرضیه | 70 سال | باغداری،دامداری،قالی بافی |
| 7 | مریم | 16 سال | باغداری |
| 8 | سمیه | 22سال | باغداری |
| 9 | معصومه | 29سال | آشپزی رستوران،باغداری |
| 10 | راضیه | 52 سال | آرایشگری، مکرومه بافی، باغداری، |
| 11 | نسرین | 28سال | سرمه دوزی،باغداری |
| 12 | طاهره | 58 سال | باغداری |

ابتدا یافته ها به صورت جدول دسته بندی شده است؛ که بر اساس یافته‌ها سه دوره زمانی برای تحولات انواع شغل در روستای جاغرق در نظر گرفته شده است سپس انواع شغل در هر دوره زمانی مشخص شده و با توجه به نوع مشاغل زنان، کدگذاری محوری و کدگذاری مرحله دوم نمایان شده است. سپس هر کدام از موارد در زیر جدول توضیح داده شده است.

جدول شماره2: تحولات انواع شغل در روستای جاغرق بر اساس زمان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| دوره های زمانی | نوع شغل | کدگذاری محوری | کدگذاری مرحله دوم |
| قبل از سال 1365 | باغداری | محصولات زنانه جمع آوری شده | توت خشک(جمع آوری ، خشک کردن،پاک کردن)، آلبالوخشک(خشک کردن، پاک کردن ) پوست کردن آلو، سیب خشک ،گردو، محصلات فراوری مانند شهدتوت |
| چگونگی دریافت مزد  | کسب درآمد برای مرد خانواده، عدم دریافت مزد زنان |
| سیر قالی بافی در روستا | زمان رونق قالی بافی، وجود بافنده غیر بومی، نوع کار بومیان در کارگاه، دلایل افول قالی بافی |
| قالی بافی | دامداری خانگی | دوشیدن شیر گوسفند ، درست کردن سرشیر و ماست، استفاده از گوشت، مصرف خانگی |
| دامداری | جمع آوری محصولات زنانه | توت خشک(جمع آوری ، خشک کردن،پاک کردن)، ، فرآوری:(درست کردن لواشک،شهد توت) |
| بین 1365 تا 1390 | باغداری | چگونگی دریافت مزد | استراتژی های کسب مزد از والدین،تمایل زنان به دریافت مزد و سهم از کار باغداری |
| خیاطی | تهیه پوشاک فرزندان ، خیاطی برای فروش، سفارش لباس ، کسب درآمد زن |
| مشاغل صنایع دستی و هنری  | بافتنی  | بافت دستی و ماشینی بافتنی برای فروش ،کسب درآمد زن، بافت برای مصرف خانواده |
| مکرومه بافی  | سفارش های خانگی، کسب درآمد |
| آرایشگری  | مشتری خانگی، غیر حرفه‌ای بودن، کسب درآمد  |
| سرمه دوزی | مشتری های ثابت، کار در خانه، کسب درآمد، انرژی مثبت از کار |
| جمع آوری محصولات زنانه | توت خشک،کسب درآمد، اهمیت دادن به فرآوری محصول، پیشنهاد گلخانه، تمایل به بسته بندی مدرن |
| از 1390 به بعد | باغداری | چگونگی دریافت مزد | تمایل کارفرما به پرداخت مزد،  |
| رستوان های خانوادگی | سرویس دهی، تمایل کارفرما به پرداخت مزد، انرژی مثبت از کار |
| رستوران و تفرجگاه  | کار برای رستوران | آشپزی در منزل ، کارفرمای خانوادگی، دریافت مزد |

**5-1-قبل از سال 1365**

باغداری: روستای جاغرق روستایی کوهستانی و دارای باغ‌های فراوانی می باشد و از قدیم الایام مردم به کار باغداری پرداخته‌اند و مازاد محصولات خود را به فروش می‌رساندند،از اواسط بهارتا اواسط پاییز، زنان و مردان این روستا مشغول به کار باغداری بودند. از گذشته درخت توت در این روستا وجود داشته است که با توجه به اقلیم این منطقه و نیاز به آب کم این درخت مردم به این محصول اهمیت می‌دادند و محصول را به صورت خشک به فروش می رساندند. همچنین محصولات گیلاس، آلبالو، آلو، هلو، شفتالو،گوجه سبز، سیب، انگور،گردو و بادام وجود داشته است. جمع آوری این محصولات به دست مردان بوده و تنها محصولی که از ابتدا جمع آوری، پاک کردن و فراوری با زنان بوده است،توت خشک می باشد که جزو محصولات با درآمد بالای روستاییان جاغرق است. در گذشته فروش محصول در دست مردان بوده؛درحالی که برداشت و فرآوری محصول با زنان بوده است. همچنین خشک کردن و فراوری کردن سایر محصولات از جمله آلو ،آلبالو، سیب،گردو نیز با زنان بوده است. زنان در گذشته برای کار باغداری مزد دریافت نمی‌کردند ولی الان برخی زنان مسن مزد خود را پس انداز می‌کنند و موافق دریافت مزد هستند.

فاطمه 67 ساله در مورد باغداری در گذشته می‌گوید: مهمترین محصولی که کار زن ها بود جمع آوری و پاک کردن توت خشک بود و توت های خراب تر را به صورت شهد و شیره درست می‌کردم. بعد از اتمام توت خشک، جمع آوری و پوست کندن آلو ها برای خشک کردن را شروع می کردم. آلبالو ها را پس از جمع آوری خشک و پاک می کردم و آخرین محصول گردو بود که لارش را جدا و خشک می‌کردیم .

قالیبافی:در گذشته روستای جاغرق دارای کارگاه های قالیبافی بود و بسیاری از مردم به این کار مشغول بودند در این روستا بافندگان غیر بومی نیز وجود داشت و اهالی خود جاغرق به دلیل مختلط بودن جنسیتی در کارگاه های قالی بافی زنان بومی جاغرق حاضر به حضور زنان خود در کارگاه نبودند و تنها در آماده سازی نخ‌ها برای قالیبافی دخالت داشتند، اما بنا به دلایلی کار قالی بافی در روستای جاغرق افول پیدا کرد. دلایل افول قالیبافی:1- ضعیف شدن صادرات بعد از انقلاب 2-رونق قالی های ماشینی 3-قیمت ارزان قالی های ماشینی 4- تعطیلی برخی کارگاه های مواد اولیه و نخ 5- خرابی کارگاه ها بر اثر سیل سال (1356)6-به صرفه نبودن کار قالی بافی 7-رونق کافه رستوران ها در جاغرق 8-عدم صرفه اقتصادی قالی بافی برای قالیباف

مرضیه 70 ساله در مورد قالی بای در گذشته می گوید: کارگرهای قالیباف از بقمچ، مارشک، نیشابور و سایر شهرها بود و اغلب بچه هایشان را یک ساله یا چند ماهه در کارگاه می گذاشتند و پول و مزد بچه را هم پدر ها می گرفتند. اون زمان آقا ما کارگاه قالی بافی داشت و چون دختر و پسرها قاطی بودند نمی ذاشت که کار کنیم ولی ن نخ ها را کنج می کردم و برای دستگاه باز، چرخه و کنج می کردم و القاج و بویروخ و نخ را برای قالیباف ها آماده می کردم.

فاطمه 67 ساله در مورد دلایل افول قالی بافی در جاغرق میگوید: اوج کار قالی بافی به نظرم از سال 1320 تا 1360 بود.بعد از انقلاب دیگه صادرات کم شد یکسری قالی های ماشینی آمد و به نسبت دستباف ارزونتر بود خب مردم هم بیشتر قالی ماشینی می خریدند و دیگه زمان انقلاب کارها تعطیل شد و صادرات ضعیف شد. البته سال 56 هم جاغرق یک سیلی در جاغرق آمد که کارگاه های ما خراب شد و تمام نخ ها و قالی ها نابود شد. یک چیز خیلی مهم هم این بود که دیگه کار قالی بافی به صرفه نبود این کافه رستوران ها باز شد دیگه کارگرها همه رفتند اونجا کار می کردند دیگه کار قالی بافی با اون سختی براشون صرف نداشت و بیشتر که کار قالی بافی از رونق افتاد به خاطر این بود که رستوران ها و کافه ها تو جاغرق رونق گرفت.

دامداری:کار دامداری برای جاغرقیان بیشتر جنبه استفاده خانگی داشت و از لبنیات و گوشت برای مصرف سالانه خود استفاده می کردند و امروزه بسیار کاهش یافته است.

فاطمه 67 ساله در مورد کار دامداری در گذشته می گوید: شیر گوسفندها را میدوشیدیم و سرشیر و ماست درست می کردیم و گوسفندا رو چاق می کردیم برای اینکه زمستون که قرمه درست کنیم.

**5-2-بین 1365 تا 1390**

باغداری :باغداری در روستای جاغرق در این سال ها هم رونق داشته ولی با این تفاوت که مردم تمرکز خود را بر بیشتر بر محصولات فرآوری شده باغ خود مانند خشکبار و درست کردن لواشک برای فروش گذاشته اند و برای جمع آوری محصول توت خشک ارزش بیشتری قائل بودند زیرا درآمد بیشتری برای آن ها داشته است و کاملا هم محصول زنانه‌ای بوده و از ابتدا جمع آوری تا زمان فروش زنان دخیل بودند. در این دوران زنان نگرش متفاوتی به کسب درآمد داشته اند و به دنبال دریافت مزد خود بودند و استراتژی های خاصی برای گرفتن حق خود اعمال می کردند.

عفت 47 ساله در مورد استراتژی های گرفتن مزد از والدین میگوید :مزد نمی گرفتم ولی وقتی جمع آوری تمام می شد و بابام پولشو از خریدارمی گرفت،یک هفته گریه می کردم که من النگو وگوشواره میخوام دیگه طلا به زور می گرفتم، من دختر بودم خیلی طلا داشتم .

صنایع دستی و هنری:زنان روستای جاغرق هنرهای دستی خود را به فروش میرساندند و از این طریق درآمد کسب می کنند،از جمله هنرهای دستی زنان جاغرق، خیاطی، بافتنی، سرمه دوزی، مکرومه بافی، آرایشگری، قلاب بافی است. اکثر زنان مشتری های خانگی دارند و البته برخی هم کالاهای خود در مغازه های طرقبه به فروش می‌رسانند.

راضیه 52 ساله درمورد مکرومه بافی میگوید: من که اصلا قبلا بیکار نمی تونستم بشینم تو خونه مکرومه بافی میکردم ، آویز و جادستمال کاغذی ، سطل آشغال میبافتم،مشتری هام بیشتر خانگی مثلا برای جهیزیه یا برای خونه هاشون سفارش می دادند.

زهرا42 ساله در مورد بافتنی می گوید: قبلا بافتنی می کردم الان هم گاهی اوقات میبافم ، هم دستی و هم با ماشین برای یک مغازه تو طرقبه می فروختم. پولش هم دست مادرم بود تا برام جهیزیه و اسباب درست کنه یا طلا می خرید.

**5-3-از 1390 تاکنون**

باغداری: هم اکنون هم باغداری در جاغرق رونق خاصی دارد و محصول اصلی و ارزشمند باغ ها توت خشک است و افراد سعی می کنند با راهبرهای مختلف محصول خود را مرغوب تر کنند تا درآمد بیشتری کسب کنند. زنان امروزه نقش پررنگی در جمع آوری و فرآوری توت خشک دارند. همچنین جوانان که در رشته های مختلف از جمله کشاورزی تحصیل کرده اند پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت باغداری جاغرق اعمال میکنند.

مریم 16 ساله در مورد باغداری می گوید: ما توت ها را پاک می کنم بستگی داره دیگه بعضی هاش باید دستچین کنیم یعنی خیلی خوب هاشو جمع کنیم بعضی موقع ها توت هایی که سیاه است از تو بقیه توت ها جمع می کنم گاهی اونایی که ریزه ،خیلی اوقات ما توت را چند بار پاک می کنیم تا خوب در بیاد.

سمیه 22 ساله در مورد اهمیت دادن به فرآوری می گوید: به نظر من چیزی که مهمه فرآوری محصوله تا سود بیشتری داشته باشیم الان همین توت هایی بی کیفیتتر که توی باغ داریم به جای اینکه با یک قیمت ارزانتر بفروشیم میایم فرآوری می کنیم و به شیره توت تبدیل می کنیم بعد با یک قیمت خیلی بالاترو بهتری می فروشیم و خیلی هم سودآورتر است. تاسیس یک شرکت تعاونی خیلی خوبه ولی با توجه به آشنایی که از مردم جاغرق دارم نمیشه خیلی باهاشون کارکرد و مثل بقیه روستاها نمیشه تعاونی داشته باشیم. یک جوری اخلاقا جاغرقی‌ها زیرپای همو خالی کنند و حسادت بینشون زیاده و خیلی تجملاتی و مصرف گرا هستند و نمیشه تعاونی تشکیل داد.

رستوران های گردشگری :با رونق گردشگری در روستای جاغرق رستوران ها و چای خانه های سنتی افزایش یافت و برخی از این مراکز تفریحی به صورت خانوادگی مدیریت میشود. امروز زنان نگرش مثبتی نسبت به کسب درآمد دارند و حتی کارفرماها هم که اکثرا اعضای خانواده هستند تمایل به پرداخت مزد به اعضای خانواده خود دارند.

بهار 16 ساله در مورد کار در رستوران میگوید: سرویس چای و سرویس غذا را آماده می‌کنم گاهی اوقا هم قبل از اینکه کوهنوردها بیان محوطه رو جارو می‌کنم و دیگه کلا تمیزکاری اونجا آشپزخونه و اینها هم هست و صبح ها که میریم باید فرش‌های تخت‌ها رو بندازیم و پشتی ها را بیارم، گاهی اوقات به ظرف شستن کمک می کنم.

**6-مدل نظری**

**شکل شماره 1 : مدل نهایی نظریه زمینه ای برای درک موضوع اشتغال زنان روستای جاغرق**

بعد از سال 1390

**سال 1365 تا 1390**

قبل از سال 1365

شرایط زمینه‌ای رونق تولید توت خشک: شرایط اقلیمی، درختان کهنسال، نیاز به آب کم، ارزشمندی از گذشته

شرایط علی رونق توت خشک: سودآوری این محصول، زمان کم جمع آوری، دانش چگونگی جمع آوری بومیان، مرغوبیت محصول، قابلیت فرآوری

شرایط مداخله گر رونق تولید توت خشک: زنانه بودن جمع آوری و فرآوری، رقابت در فروش، وجود تجار برای خرید

چالش‌های توسعه: عدم همکاری مردم، عدم اطمینان به یکدیگر، عدم تعاون و همکاری بین مردم روستا

دلایل افول قالی بافی در جاغرق :1-ضعیف شدن صادرات بعد از انقلاب 2- رونق قالی های ماشینی 3-قیمت ارزان قالی های ماشینی 4-تعطیلی برخی کارگاه های مواد اولیه و نخ 5-خرابی کارگاه ها بر اثر سیل 6- به صرفه نبودن کار قالی بافی 7-رونق کافه رستوران ها در جاغرق 8-عدم صرفه اقتصادی قالی بافی برای قالیباف

**7-بحث و نتیجه گیری**

زنان در روستای جاغرق پرانرژی و فعال هستند و در بخش اقتصادی تاثیرگذار هستند. در این تحقیق تحولات را به سه دوره تاریخی تقسیم کردیم در دوره قبل از 1365 زنان جاغرق به کارهای باغداری،قالی بافی و دامداری مشغول بودند. زنان در باغداری در تولید خشکبار و فرآوری محصولات نقش پررنگی داشتند و مهمترین محصولاتی که زنان در آن نقش داشتند،توت خشک، گردو، آلو خشک، آلبالو خشک و سیب خشک بوده است.اما از زمان گذشته زنان به توت خشک اهمیت فراوانی می‌دادند. دامداری را تنها برای مصرف خانگی خود استفاده می کردند. همچنین در گذشته مردم روستایی جاغرق به کار قالیبافی مشغول بودند و البته زنان جاغرقی در بافت قالی نقش پررنگی نداشتن و اغلب مردان جاغرق و زنان و کودکان سایر روستاها در بافت قالی دخیل بودند و زنان جاغرق تنها کارهای حاشیه‌ای مانند دسته بندی و کلاف کردن نخ ها را انجام می دادند اما بنابه دلایلی از جمله ضعیف شدن صادرات بعد از انقلاب،رونق قالی‌های ماشینی،قیمت ارزان قالی‌های ماشینی،تعطیلی برخی کارگاه‌های مواد اولیه و نخ ،خرابی کارگاه‌ها بر اثر سیل، به صرفه نبودن کار قالی بافی،رونق کافه رستوران ها در جاغرق ،عدم صرفه اقتصادی قالی بافی برای قالیباف، قالیبافی در جاغرق افول کرد.

 در دوران 1365 تا 1390 زنان در تابستان به کار باغداری مشغول بودند و در زمستان به کارهای صنایع دستی می پرداختند و در اوقات فراغت کسب درآمد می‌کردند و در این دوره زنان استراتژی های مختلفی را برای کسب درآمد و دریافت مزد انجام می‌دادند، از سال 1390 با رونق گردشگری زنان علاوه بر انجام کار باغداری به کار در حوزه‌های گردشگری به خصوص آشپزی و کار در رستوران‌های خانوادگی مشغول شدند و امروزه حتی کارفرمایان خانگی تمایل به دادن مزد به اعضای خانواده خود هستند. بنابراین کار باغداری از زمان‌های گذشته تاکنون برای زنان روستای جاغرق وجود داشته است و محصول اصلی این روستا توت خشک به شمار می‌آید، در این روستا شرایط زمینه‌ای از جمله شرایط اقلیمی و وجود آب و هوا مناسب ، وجود درختان کهنسال از گذشته، نیاز به آب کم این محصول، ارزشمندی از گذشته برای محصول توت خشک وجود دارد و همچنین سودآوری این محصول، زمان کم جمع آوری، دانش بومیان برای جمع آوری ، مرغوبیت محصول و قابلیت فرآوری محصول به سایر محصولات ،علتی است که توجه بیشتری به محصول می‌کنند و این محصول برای آنان دارای ارزش است. همچنین می‌توان گفت فعال بودن زنان جاغرق و زنانه بودن محصول توت خشک بر مرغوبیت این محصول افزوده و زنان با تلاش و حوصله این محصول را فراوری می‌کنند و به فروش می‌رسانند. زنان در روستای جاغرق از شرایط زمینه‌ای که در این روستا فراهم شده است نهایت استفاده را می‌کنند. با توجه به اینکه اشتغال و کسب درآمد باعث انباشت سرمایه می‌شود می توان گفت زنان سالانه درآمد زیادی را کسب می‌کنند که می توانند این درآمد خود را صرف توسعه و آبادانی روستا کنند. اما باید این را نیز اذعان داشت که موانع و چالش‌هایی بر سر راه توسعه در این روستا وجود دارد مانند عدم همکاری و تعاون بین مردم، عدم اطمینان به یکدیگر و تمایل به تجمل گرایی و مصرف گرایی، در نتیجه مردم و به خصوص زنان بسیاری از سرمایه‌های خود را در راه‌های گوناگون نادرست صرف می‌کنند.

**منابع**

آخرتی،محمود؛ الهه آهنگری،محمد طحان(1397)" بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی"، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ ،سال نهم، شماره 35، صص 105-116

بیکر،ترز ال (1386) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایبی، تهران، نشرنی

ترنر،جاناتان اچ(1393) نظریه نوین جامعه شناختی،مترجم علی اصغر مقدس، مریم سروش، چاپ اول،تهران، نشر جامعه شناسان

جمشیدی،معصومه؛ علیرضا جمشیدی(1396) "واکاوی چالشهای اشتغال و درآمدزایی زنان منطقه عشایر زردلان " فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال7، شماره25، صص 108-129

ریتزر،جورج(1394) مترجم محسن ثلاثی، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، نشر علمی،تهران، چاپ بیستم

سلمانی،محمد؛ حسینعلی فرجی سبکبار،بهرام هاجری، ذبیح الله ترابی(1396) " عوامل تاثیرگذار بر اشتغال رنان روستایی کشور در بخش صنعت" فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان ،دوره 15 ، شماره 1 صص 73-94

سواری،مسلم؛ حسین شعبانعلی فمی،محمدشریف شریف زاده،(1396) "موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره" فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره 3، صص 17-36

شریفی،زینب؛ هوشنگ ایروانی ،ژیلا دانشورعامری (1394) " تحلیل عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف آباد "فصلنامه‌ی علمی پژوهشی و جامعه ،سال ششم،شماره اول،صص 1-20

عسکری ندوشن،عباس؛ نرجس جهانگیر، محمد نوریان نجف آبادی (1391)" تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در شهر اصفهان" فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر،سال ششم، شماره 16،صص 187-216

علوی زاده،سید امیرمحمد، علی شمس الدینی،فاطمه حسینی(1395) "بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان کاشمر"، ویژنامه زن و جامعه، صص 195-218

گیدنز ، آنتونی (1386) جامعه شناسی، منوچهر صبوری،تهران(نی)

لهسایی زاده عبدالعلی (1387) نظریه های جدید در مکتب تضاد ، مجله علمی پژوهشی دانشگاه آزاد، شماره 11 ، صص 9-32

فلیک، اووه، (1391)درآمدی بر پژوهش کیفی، ترجمة هادی جلیلی،نشر نی

.

Lowe ،Philip, Jeremy Phillipson, Amy Proctor, Menelaos Gkartzios" (2018)Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis". . Centre for Rural Economy, School of Natural and Environmental Sciences, Newcastle University,The Authors. Published by Elsevier Ltd.This is an open access article under the CC BY license.

Strauss, A .Corbin, J. (2008). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory: SAGE : publication.

1. *MAJDI@UM.AC.IR* [↑](#footnote-ref-1)
2. - Grounded theory [↑](#footnote-ref-2)
3. - snowball sample [↑](#footnote-ref-3)